

# پوشش زنان در ایران باستان

پوشش زنان در ایران باستان هم بنا به شرایطی که ذکر شد همیشه سبک و اسلوب خاصی داشته‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پوشش تمام بدن در دوره‌های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده‌است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی‌برده‌اند.

برخی معتقد هستند که این پوشش کامل و آراسته به نوعی ریشه به وجود آمدن حجاب در دنیا است.

**ویل دورانت** معتقد است نقش پوشش و حجاب زنان در **ایران باستان** چنان برجسته‌است که می‌توان **ایران** را منشأ اصلی پراکندن **حجاب** در **جهان** دانست.<sup>[۱]</sup>

**دائرةالمعارف لاروس** نیز به وجود حجاب زنان در ایران باستان اشاره می‌کند.<sup>[۲]</sup> در تفسیر اثنی عشری چنین آمده‌است: «تاریخ نشان می‌دهد که حجاب در فرس (فارس) قدیم وجود داشته‌است.»<sup>[۳]</sup>

تاریخ **پوشاک** به طور کلی بخشی از تاریخ **تمدن** و **فرهنگ** انسان است و برای آگاهی از پوشش در ایران، باید فرهنگ مردم ایران را هم بررسی کرد.<sup>[۴]</sup>

روند تاریخ تمدن و فرهنگ انسانی از زمانی آغاز شد که انسان‌ها زندگی فردی و غارنشینی را رها کرده و هسته‌های ابتدایی نخستین جامعه بشری را پدید آوردند. از این رو در هر جامعه‌ای بنا به شرایط زیر نوع پوشاک و پوشش زنان و مردان متفاوت شد:

- آب و هوا و شرایط اقلیمی
- پدیده شهرنشینی
- کار و پیشه
- کشف منابعی چون مس و فلزات
- پیدایش ادیان و مذاهب (جهان بینی)
- وقوع جنگ‌ها

## شاهنامه و زنان

برای نمونه در جنگ‌ها بانوان مبارز ایرانی پوششی همچون مردان می‌پوشیدند که گواه این سخن جنگ **سهراب** با **گردآفرید** است که تا زمانی که **کلاهخود** از سر گردآفرید نیفتاده‌بود، سهراب به زن بودن او پی نبرده بود.

## دین زرتشتی

**زرتشت** در حدود بیش از هزار سال (و به روایاتی بیش از هزاران سال) پیش از میلاد مسیح، در کتاب **پسنا** بر عفت سرشتین در کنار پوشش ظاهری پافشاری کرده‌است.<sup>[۵]</sup>

بر پایه آنچه موبد «رستم شهرزادی» گفته‌است، پوشش زن باید به گونه‌ای باشد که حتی یک تار موی او نیز آشکار نگردد. در خرده اوستا، چنین آمده‌است: «همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار **اهورمزدا** نماز می‌کنیم.»<sup>[۶]</sup>

در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت‌های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می‌خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه

پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است».

در کتاب دینی زرتشتیان اوستا و گات‌ها لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است و قانون نامه‌ای وجود ندارد که زرتشتیان را ملزم به پوشانیدن سر و موی خود کند.

**کوروش نیکنام** دارای دکترای فلسفه **زرتشت** از دانشکده هندوستان و نماینده سابق زرتشتیان در مجلس چندین پرسش را پاسخ داده است:<sup>[۷]</sup>

• آیا در اوستا قانون حجاب برای زن وجود دارد؟

زن و مرد در تاریخ ایران باستان همواره با پوشش مناسب و زیبا در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و این قانونی در اوستا نیست.

• در باور زرتشتی حجاب برای بانوان چگونه تعریف شده است؟

واژه حجاب در فرهنگ واژگان پارسی نیست، اگر پرسش شما در مورد پوشش بانوان است. در ایران باستان زنان و مردان را هیچگاه برهنه نمی‌بینیم، نسبت به محل زندگی، آب و هوا و شیوه کار و زندگی هر شهر و روستا پوشش‌های گوناگونی وجود داشته که نمونه آن را هم اکنون در پوشش زنان گیلکی، مازندرانی، کرد، لر، بلوچ، بختیاری، اقوام دیگر و زرتشتیان مشاهده می‌کنیم. از ویژگی‌هایی که در اینگونه پوشش‌ها به شکل یکسان وجود دارد دو چیز است، نخست اینکه این پوشش‌ها با رنگ‌های طبیعت همگون است یعنی رنگ‌های سرخ، سبز، ارغوانی، زرد و دیگر رنگ‌ها در پوشش آنان بوده و کمتر از رنگ‌های تیره به ویژه سیاه استفاده می‌شده چون باور داشتند رنگ‌های کبود، افسردگی آور و غم انگیز است. دوم اینکه در همه پوشش‌ها دستان زن و مرد برای انجام کارها به ویژه برای کشاورزی آزاد بود، نمونه پوشش‌ها را در اقوام لر، کرد، بلوچ، گیلکی و... می‌توان یافت.

• چرا در هنگام نیایش باید کلاه یا روسری بر سر داشته باشیم؟

در باور سنتی و گزارش اوستا، هاله از روشنایی به نام خورنه (فر) پیرامون تن انسان را فرا گرفته است این هاله نور در انسانهایی که نیکوکار باشند و به خداوند نزدیکتر شوند با شعاع بیشتری همراه است چون این هاله نور، پیرامون سر انسان بیشتر است عقیده بر این است که به هنگام نیایش و برای ایجاد تمرکز حواس به هنگام راز و نیاز با خداوند بایستی سرها پوشیده باشند از سوی دیگر پوشیدن سر به هنگام نیایش هماهنگی در چهره‌ها ایجاد می‌کند و چهره انسان روحانی تر خواهد بود.

## مادها

بر پایه پذیرفته‌شده‌ترین نظریه کنونی، آریاییانی که به **فلات ایران** آمدند، به سه دسته اصلی تقسیم شدند: **مادها**، **یارس‌ها** و **پارت‌ها**. **مادها** نخستین دودمان ایرانی را در ایران تشکیل دادند. دولت ماد را می‌توان پیشاهنگ دولت آریایی و دولت بزرگ هخامنشی دانست چه «هووخشتر» دولتهای نیرومند آن زمان یعنی آشور و بابل را ضعیف ساخت و بر ارمنستان و آسیای صغیر تا رود هالیس دست یافت. عیلام، پارس، هیرکانی، طبرستان و باکتری از دولت ماد اطاعت می‌کردند. این دولت اصول کشورداری قبایل متحد و فنون نوین جنگ را بوجود آورد. چنانکه کوروش بزرگ پس از فتح ماد همدان را که پایتخت دولت ماد بود، مرکز پادشاهی خود قرار داد و پارسیان از آداب و رسوم و حتی طرز پوشاک مادها بهره‌مند شدند.<sup>[۸]</sup>

کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» درباره پوشش زنان در دوران مادها با تکیه بر نقوش برجسته برجا مانده می‌گوید که پوشاک زنان آن دوران از دید شکل با پوشاک مردان یکسان است. در ادامه درباره آن نقوش چنین می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.»<sup>[۹]</sup>

## هخامنشیان

به نظر می‌رسد که پوشش زنان در دوران هخامنشیان با دوران مادها چندان تفاوتی نکرده باشد. پیرامون پوشاک زنان در این دوره چنین نوشته شده‌اند: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی بر می‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه‌است. به زنان دیگر آن دوره نیز بر می‌خوریم که از پهلو به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل شکل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است.»<sup>[۱۰]</sup>

**ویل دورانت** دربارهٔ زنان در دوران **هخامنشیان** می‌گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، حتی پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که در ایران باستان برجای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.»<sup>[۱۱]</sup>

همچنین توسط یک هیئت روس در دره پازیریک قطعه فرشی کشف شده‌است که مراسم مذهبی را ترسیم می‌کنند که توسط چهار زن جشن گرفته شده‌است. آنها ایرانی الاصل هستند و لباس هخامنشی به تن دارند. رنگ پوست شخصیت‌ها سفید، چشم هایشان قهوه‌ای و موهایشان آبی است. در این فرش شباهت لباس زنان با مردان بسیار قابل توجه‌است، فرضیه‌ای که توسط هرودوت پیش از این تایید شده‌است.<sup>[۱۲]</sup>

**پلوتارک** مورخ یونانی در مورد شرایط ایران در زمان **هخامنشیان** می‌نویسد که «هر گاه لازم است زنان ایران از خانه خارج شوند و به سفر روند، درون چادرهای در بسته‌ای می‌نشینند و چادر را بر روی گردونه‌ای قرار می‌دهند و حمل می‌نمایند.» **احمد کسروی** نتیجه می‌گیرد که استفاده از چنین چادری ویژه توانگران بوده و افراد عادی جهت رفت‌وآمد مشابه کوچکتر آن را بر سر می‌گرفته‌اند و به تدریج ظاهر آن تغییر کرده و به صورت امروز در آمده ولی نام چادر همچنان بر آن باقی مانده‌است.<sup>[۱۳]</sup>

## زن در هنر هخامنشی

باستان شناسان حفار در قطعه ای شکسته ای از یک آجر لعاب دار که از بنایی ایرانی در بابل به دست آمده، چهری زنی را می‌بینند که با رنگ سفید نقاشی شده است. قطعه آجری از شوش دست سفیدی مزین به دست بند را نشان می‌دهد که نیزه ای را حمل می‌کند. البته این دست نمی‌تواند از آن زنی باشد. حتی گفته شده که ایرانی ها هیچ زنی را نقش نکرده اند. اما ما طبعاً باید به اسنادی که به تصادف به دست می‌آیند نیز بها دهیم. ظاهراً زن در چارچوبی که برنامه های بزرگ امپراتوری و قدرت فرمانروایی آن را به نمایش در می‌آورد، نقشی نداشته است. اما در میان آثار هنری کوچک به نقش های بی شماری بر می‌خوریم که به کمک آنها میتوان به تصویر کاملی از ظاهر زنان امپراتوری بزرگ ایران دست یافت. نخستین موضوعی که بی درنگ جلب توجه میکند لباس زنان است، که همان لباس چین دار هخامنشی و همان کلاهی است که مردها بر سر دارند.<sup>[۱۴]</sup>

## پوشاک زنان هخامنشی

آزادی حقوق اجتماعی زنان در زمان **پارسیها** به اندازه‌ای بوده که با وجودی که در **ایران** تاج و تخت موروثی بوده و پس از فوت شاه کسی از اولاد ذکور او بر تخت می‌نشست. در بعضی از جاها که تابع ایران بودند، تاج و تخت پس از فوت شاه به زنش می‌رسید نه به پسرش. در مهرهای زیادی زنان ایرانی با لباس چین دار دیده شده اند. مثلاً بر مهری که در لندن نگه داری می‌شود زنی را می‌بینیم گل نیلوفر بر دست و با موی بلندی که در قسمت پایین چندین گلوله به آن بافته شده است. از آن جا که مردان نیز از زیورآلات و جواهر زیادی استفاده می‌کرده اند، از این طریق تشخیص مرد و زن بسیار دشوار میشود. حتی عناصر زینتی، مانند به دست گرفتن نیلوفر نیز، در تصویر زنان و مردان مشابه است. علاوه بر این معلوم می‌شود که در سراسر امپراتوری از «مد» واحدی پیروی می‌شده است. ظاهراً زنان اشراف، چشم به دربار در تخت جمشید داشته اند و می‌کوشیدند از لباس پریهای درباری تقلید کنند. برای نمونه به نگاره ای از سنگ آهک که از مصر به دست آمده و امروز در موزه بروکلین نگه داری میشود، نظری می‌اندازد. ایرانیان از دیرباز به پاکدامنی اهمیت می‌دادند و زنان ایرانی پوشیده با چادر یا پوشش‌های دیگری که بخش‌هایی از موها را می‌پوشاند و تنه را در بر می‌گرفت، در میان مردان ظاهر می‌شدند. در یک مهر سنگی استوانه‌ای که از دوره‌ی هخامنشی برجای مانده و اکنون در موزه‌ی لوور فرانسه نگهداری می‌شود، شاهزاده‌ی ایرانی و ندیمه‌هایش دیده می‌شود که شاهزاده چادر و ندیمه‌ها سرپوش دارند. در طرحی که روی سنگی در ارگلی ترکیه نقش بسته است، زن ایرانی با پوشش چادر و سوار بر اسب دیده می‌شود. حتی سرپوش‌های پارچه‌ای دوره‌ی هخامنشی از زیر برف‌های

منطقه‌ی پارزیک روسیه پیدا شده است. (یادآوری می‌شود، سرزمین‌هایی که نام بردیم، بخشی از امپراطوری پهناور پارس‌ها بودند.)<sup>[۱۵]</sup>

**پوشاک زنان هخامنشی** را با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌کنیم: ۱-ملکه‌ها ۲-خدمه‌ها

## ملکه‌ها

نوع پوششی که ملکه‌ها داشته‌اند پنج دسته است:

۱-لباس چین دار با یک چادر مزین کوتاه: این لباس از دوره‌ی ماد به آن‌ها ارث رسیده است. بالا تنه لباس ساده و آستین آن بسیار فراخ و گشاد بوده به طوری که کامل بر روی لباس آویزان است.

۲-لباس مزین و چین دار با یک چادر مزین کوتاه: قسمت جلوی لباس به صورت نقوش تزیینی مزین شده و بالا تنه پوش لباس بر عکس لباس قبلی مجلل می‌باشد.

۳-لباس چین دار بدون چادر: یکی از انواع لباس‌هایی که مورد پوشش آن‌ها قرار گرفته لباسی است چین دار متشکل از دو راسته چین که روی آن چادر قرار نگرفته است.

۴-لباس چین دار مزین بدون چادر

۵-لباس ساده با چادر ساده: این لباس ساده و بلند است و روی آن چادری بلند قرار دارد، زیر چادر و روی سر یک **تاج** قرار دارد.

## خدمه‌ها

یکی دیگر از طبقات اجتماعی پارس‌ها که از نظر موقعیت اجتماعی در پایین‌ترین ردیف جامعه قرار داشته‌اند، خدمت‌گزاران یا پیش‌خدمتان می‌باشند، معمولاً از دیر زمان تا به امروز افراد مهم و والا مقام دارای خدمت‌گذار بوده و هستند. در دوره هخامنشی این طبقه مورد شناسایی قرار می‌گیرند و پوشاک این گروه از زنان شامل یک دسته اصلی می‌شود:

لباس ساده: لباسی که به احتمال قوی تنها افراد خدمه در دوره پارس‌ها می‌پوشیده‌اند، عبارت است از یک لباس ساده و بلند که معمولاً روی آن کمربندی ساده قرار می‌گرفته است.<sup>[۱۶]</sup>

## اشکانیان

پس از **هخامنشیان** و تاخت و تاز **اسکندر مقدونی** به ایران، هنگامی که وضعیت **سلوکیان** آشفته بود، **اشکانیان** ایرانی که از **پارت‌ها** بودند، به حکومت رسیدند.<sup>[۱۷]</sup> در این دوران که نفوذ ادیان **بودایی** و **مسیحیت** از شرق و غرب، آیین زرتشتی را کمرنگ نموده بود، زنان ایرانی همچون گذشته دارای حجاب<sup>[۱۸]</sup> پوشیده‌ای بوده‌اند.

در این باره چنین می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه راست بوده است. **پیراهن** دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو **پیراهن چادری** سر می‌کردند.»<sup>[۱۷]</sup>

در جای دیگر آمده است: «**چادر زنان اشکانی** به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است.»<sup>[۱۸]</sup>

در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو برتن می‌کردند، با شنلی که برافکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند.» [بیزمنند منبع]

همچنین از آثار این دوره، روسری ابریشمین خوش رنگ و نگار و نفیس زنان سنگسری به جا مانده است که «ساخته مکنه» نام دارد و سده هاست که زنان سنگسری آن را می‌بافند و می‌آریند. آنان این روسری را به ترتیب خاصی بر سر خود می‌بندند، که این خود نمونه کامل پوشش سر زنان در زمان اشکانیان می‌باشد. [۱۹]

در دوره اشکانیان پوشش زنان شامل پیراهن شلوار و در مراسم‌های رسمی و مذهبی همراه با شال بلندی بوده است که نمونه‌های آن در مجسمه‌های دوره اشکانیان نمایان است. این مجسمه‌ها بانو اوبال و دخترش را با کلاهی بلند و جواهر نشان همراه با شال بلندی که در پشت آویزان است و گیسوان بافته و جمع شده و پیراهنی دراپه (چیندار به صورت افقی) و شلوار دراپه و جواهرات فراوان نشان می‌دهد که بسیار یادآور پوشش بانوان هندی است.